

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی - کابل

۰۸ می ۲۰۱۸

میزان "گلبدین" ها و خط فقر ۵۴ درصدی مردم

دوشنبه- ۱۷ ثور ۱۳۹۷ - کابل: دیروز طرفداران اقتصاد سرمایه داری و آنهایی که برای اقتصاد بازار آزاد و مالکیت خصوصی و کارمزدی سینه سپر می سازند، بعد از سالها کش و قوس و خود را به این کوچه و آن کوچه زدن، سرانجام اعلام داشتند که در افغانستان کنونی ۵۴ درصد مردم در زیرخط فقر زندگانی نموده، سیر اوضاع نشان می دهد که گستره آن می تواند از آن هم عمیقتر بگردد.



این اعتراف در حالی صورت می گیرد که بنا به ادعای امریکائی ها و اعتراف دولتمداران، دولت دست نشانده، امپریالیسم امریکائی این مدت بیش از ۱۲۰ میلیارد دالر به علاوه مصارف نظامی در افغانستان مصرف نموده است. همچنان دولت المان ادعای ۱۷ میلیارد، فرانسه و انگلستان هریک بیش از ۵ میلیارد، عربستان سعودی، ایران، جاپان، هندوستان و سایر کشورها من جمله روسیه و چین، بیش از ۲۰ میلیارد دالر در باتلاق افغانستان ریخته بودند. هرگاه این ارقام با آنچه از کشت و مبادله مواد مخدر در افغانستان به دست می آید جمع گردد، چیزی در حدود ۲۵۰ میلیارد دالر، در پناه ستراتیژی اقتصاد آزاد در افغانستان بعد از طالب به مصرف رسیده، افغانستان را تا گلو در قرض گور نموده اند.

مدافعان نظام اقتصاد آزاد به خصوص آنهایی که خود نیز از تاراج بهره و سهمی نصیب شده اند وقتی از یک جانب این سیل پول را می بینند و از طرف دیگر به فقر، ناداری و گرسنگی مردم توأم با موجودیت حدود سه میلیون معتاد و بیش از ۵۴ درصد فقر مطلق اجتماعی مواجه می گردند، به مانند همیشه دنبال بهانه و پوچاق خربوزه گشته، یگانه عامل تمام این بدبختی ها را جنگ می دانند.

این درست است که جنگ یکی از عوامل ویرانگر به شمار می رود، مگر این که آن را یگانه عامل و حتا عامل عمده بدانیم جای بحث خود را دارد. تاریخ در کشورهای دیگری مانند ویتنام، چین و برتر از همه شوروی دهه نخستین به وضاحت نشان داده که در آن کشورها نیز خرابی و ویرانی ناشی از جنگ وجود داشته، و هیولای جنگ همه روزه از مردم و دستاورد های آنها قربانی می گرفته، مگر با موجودیت ستراتیژی اقتصادی درست و در جهت خدمت به مردم، خلقهای آن کشورها موفق شده اند جنگ را به فرصت ها مبدل ساخته، از درون جنگ و بر ویرانه های جنگ، ساختار اقتصادی - اجتماعی را بنیان نهند، که نمونه و مانند آن تا آن وقت در جهان دیده نشده بود.

به طرفداران اقتصاد بازار آزاد هرگاه وجدان و شرف داشته باشند، عکس میزنان "گلبدین" کفایت تا بدانند که پایه و مبنای اساسی ۵۴ در صد زیر خط فقر مطلق، مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، کار مزدی و تقسیم ناعادلانه نعم مادی در کشور است. چنان تقسیم ناعادلانه ای که یکی "قند تفاله" می کند و به صد ها هزار دیگر ناگزیر اند شکم گرسنه، خشت و سنگی را بالین ساخته به جای خواب از شدت خستگی نیمه مدهوش بر زمین دراز بکشند.

در این روز ها که به خاطر دوصدومین سالروز تولد "کارل مارکس" به هزاران دانشمند و صد ها میلیون انسان معتقد به افکارش به پاس خدمات فناپذیرش به انسانیت، از وی یاد و قدردانی می کنند چه جیونانه و غیرشریفانه است که عده ای با برخورداری از امکانات تبلیغاتی امپریالیستی، کاستی های ساختمان سوسیالیسم را چنان برجسته ساخته، بار ملامتی آن را بر دوش آن فرزانه انسان بیندازند، بدون آن که این وجدان را داشته باشند که درغیاب تفکر مارکس، گذشته از این که چین امروزی نمی توانست وجود داشته باشد، از ۱۴۰۰ میلیون باشنده آن حد اقل ۵۰ در صد آن معتاد نیز بایست می بود.

هرچند من در نوشته هایم بیشتر به تحلیل اخبار و وقایع می پردازم، مگر وجدانم اجازه نمی دهد نگویم: این که گفته اند "آینده بشریت یا رفتن به سمت سوسیالیسم است و یا توحش" حقیقتی است که همین اکنون می توان سیر آن را در افغانستان اشغالی دیده، در یک طرف کودکان کار و در طرف دیگر میز نان قصاب کابل. این وضعیت تا کجا ادامه می یابد....

دیده شود چه می شود!!